

## مومن سکولار

### رابطه دین با سیاست

نویسنده: ادیب «معصومی»

دانش آموخته‌ی علوم سیاسی

جمهوری اسلام افغانستان

E-mail: Adib.Masoumee@gmail.com

20 سرطان، 1396 خورشیدی

سکولاریسم چیست؟

و سکولار چه کسی است؟

چرا با گفتن این کلمه در دل بعضی افراد آتش به طغیان می‌افتد؟

آیا این بدین معنی هست که شناخت کاملی از سکولاریسم ندارند؟

و یا سکولاریسم همچون فاشیسم و نازیسم و یا دیگر ایدئولوژی‌ها زننده، خون‌خوار و نابودگر

است؟

و یا سکولاریسم به مفهوم ضدیت با آیین آسمانی و زیر پا گذاشتن اصول و اساسات دینی و مذهبی است؟

در این مقاله سعی شده بدون هیچ نوع وابستگی و جانبداری بر این مفهوم پرداخته شود و بعد از مطالعه و شنود، دهها جلد کتاب و مباحث پیرامون این مبحث خواستم تا خلاصه‌ی از دیدگاه را به نتیجه واحدی برسانم.

سکولاریسم واژه‌ای انگلیسی است که از ریشه‌ی لاتین *saeculum*، به معنای این جهان، گرفته شده است. سکولاریسم نوعی ایدئولوژی است که ریشه در اخلاق طبیعی دارد و مبتنی بر وحی و امور فرا طبیعی نیست. این نظام فلسفی را اولین بار جورج اچ جی. هول یوک در حدود سال 1846 م. به‌طور رسمی در انگلستان مطرح کرد.

یکی از ریشه‌های پیدایش چنین بینشی نسبت به دین، وضعیت کلیسا در قرون وسطی بود. پدران روحانی کلیسا، در این دوران، فرصت خوبی برای ترویج خرافات و محتویات آیین تحریف شده مسیحیت پیدا کرده و در کمال قدرت، سرگرم کار خود بودند؛ درحالی که اگر کلیسا در حد توان خود درست عمل می‌کرد و یک نظریه و تعریف صحیح از دین ارائه می‌داد و توجه به امور دنیا را به‌طور مطلق، نامقدس نمی‌شمرد، شاید نامی از سکولاریسم پدیدار نمی‌گشت و ادیان آسمانی با چنین واکنشی روبه‌رو نمی‌شدند.

در حقیقت پیدایش ایدئولوژی‌های همچون سکولاریسم، انسان‌گرایی، خردگرایی و... واکنش‌های است که در برابر خرافات و سو استفاده‌های دینی و مذهبی قد علم کرده و سکولاریسم ابزار و پله‌های رسیدن به مقصد دگراندیشی و غایتا دموکراسی است.

## سکولار کیست؟

➤ اگر شخصی بپذیرد که وقتی وارد عرصه سیاست می‌شود به قضاوت عمومی و آرای عمومی احترام بگذارد و داور نهایی را، قانونی بداند که از طرف مردم انتخاب شده و از طرف مردم قابل تعدیل و تغییر باشد آن شخص سکولار است. و یا اینکه جهش به سمت مدرنیته و کنار گذاشتن سنت‌ها و باورها و یا هر پدیده‌ای که منبع فرا طبیعی داشته باشد.

➤ نظام سیاسی کشور ما افغانستان، دموکراسی است و ما ملزم به رعایت ارزش‌های دموکراسی همچون آرای عمومی، حقوق شهروندی، حقوق بشر، آزادی بیان و... هستیم و تلاش سکولاریسم نیز بر اعمال ارزش‌های دموکراسی است.

بااین‌وجود بعضی واژگان در جوامع ارزشی می‌شوند بدین معنی که ما با ماهیت درونی و خصلت نهفته آن به تفاهم رسیده‌ایم اما با ظاهر و چارچوب برونی آن مشکل داریم مثلاً بیشتری از مسلمانان که ضدیت شدیدی با سکولاریسم دارند به نحو غیرمستقیم سکولارند به دلیل اینکه تن به رعایت ارزش‌های سکولاریسم داده‌اند. اگر برایشان گفته شود که تن به رعایت ارزش‌های سکولاریستی داده‌اید، سرخی گونه‌هایشان و رگ‌های گردنشان برجسته خواهد شد. اما اگر بحث آرای عمومی، حقوق بشر، خردگرایی، انسان‌گرایی، آزادی بیان و... در میان بیاید با تمام توان از آن پشتوانی می‌کنند.

هر ایدئولوژی کامل نیست و هر ایدئولوژی کاملاً ناقص نیست. لهذا ایدئولوژی‌ها معمولاً سه نگاه را به خود جلب می‌کنند ( افراطی، متعادل و تفریطی ) بر همین اساس عده‌ی از سیکولاریست‌های افراطی درصدد تضعیف کردن دین و باطل خواندن هر آنچه‌یکه منبع الهی دارد هستند و این نگاه بیشتر در ابتدا ظهور سکولاریسم مطرح بود و امروزه سکولاریسم مداراگر شده و دیگر سکولاریست‌ها درصدد تضعیف کردن ادیان الهی نیستند و مبارزاتشان مبتنی بر این

است که بین حقیقت زمینی و حقیقت ماورائی تفکیک قائل شوند و به عبارت دیگر سیاست امر الهی نیست و سیاست را یک فرایند ناشی از قرارداد اجتماعی انسان‌ها می‌دانند و سیاست از کنش و واکنش‌های اجتماعی انسان‌ها زاده می‌شود و نگاه متعادل سکولاریست‌ها دین را به عنوان یک واقعیت انکارناپذیر در جهت رام ساختن نفس انسانی می‌پذیرند مشروط بر اینکه وارد عرصه سیاست، اقتصاد و سایر تبادلات که برآیند روابط انسانی دارد نشود.

حال سؤالی مطرح می‌شود که آیا با جدا کردن سیاست از دین ما سکولار شده‌ایم؟

خلاصه کلام خیر!

به صورت تفسیری اولاً باید روشن شود که ما چه نوع تعریفی از سیاست داریم و نیاز است که واژه سیاست به بحث گرفته و بعداً به پاسخ اجمالی آن پردازیم.

سیاست چیست؟

از سیاست تعریف‌های مختلفی صورت گرفته که ما در این مقاله مختصر به چند تعریف آن برای روشن شدن بحث می‌پردازیم:

غیرمسلمان‌ها با دیدگاه‌های رئالیستی سیاست را پیکار افراد، گروه‌ها و دولت‌ها با یکدیگر بر سر قدرت می‌دانند. نویسندگانی چون ماکس وبر، ماکیاولی، هابز، دیوید اپتر و برخی دیگر، سیاست را تلاش در به دست آوردن قدرت، حفظ و افزایش آن می‌دانند. طبق این تعریف، انسان موجودی بدسرشت است و به قول (هابز)، انسان‌ها گرگ همدیگرند.

الف - تعریف سیاست از دیدگاه دانشمندان غیرمسلمان

1- به دست آوردن قدرت از هر راه ممکن (نیکولو ماکیاولی)

در این تعریف هر وسیله‌ی را برای به دست آوردن قدرت توجه می‌کند مثل حيله و نیرنگ و فریب، جنگ، قتل و هر آن جنایتی که راه رسیدن به قدرت را میسر کند مورد استفاده قرار گرفته و مطلوب است.

## 2- حکومت کردن بر انسان‌ها (کایتانوموسکا)

در این تعریف همچنان تأکید بر فرمانروایی است و حفظ فرمانروایی را به هرگونه ممکن از ویژگی‌های مهم سیاستمدار خوانده است.

### ب - تعریف سیاست از دیدگاه دانشمندان مسلمان

1- ابونصر فارابی، سیاست را هدایت خلق به سوی خالق، در مدینه فاضله، توسط رهبر بیان می‌کند. مدینه فاضله او مدینه‌ای است که به وسیله بهترین و مستعدترین کسی که هدفش ترقی و سعادت فردی و جمعی است، اداره می‌شود.

2- از دیدگاه غزالی، سیاست ابزاری است که انسان را به خداوند می‌رساند و نجات‌دهنده او در دنیا و آخرت است.

از تعارف فوق نتیجه می‌گیریم که اگر منظورمان از سیاست، هدایت خلق به سوی خالق باشد پس سیاست جزئی از دین بوده و ابزار مهم و فعال دین محسوب می‌شود و اما اگر سیاست را ابزاری برای تبادلات بین انسانی با رویکرد غربی به معنی نیرنگ، فریب، دروغ، چال و کسب منافع از هر راه ممکن بپذیریم پس سنخیت با دین و اخلاقیات نداشته و نمی‌توان رابطه‌ی را میان سیاست و آیین آسمانی که مجموعه‌ی از دستورات اخلاقی و انسانی است برقرار کرد.

و اما اگر با جدا کردن سیاست‌های موجود امروزی که مجموعه‌ی از ابزارهای غیرانسانی و اخلاقی است از دین جدا کنیم، سکولار شویم این هم عادلانه نیست!

پس نیاز است که سیاست را به دودسته تقسیم کنیم:

#### الف - سیاست دینی

سیاست دینی مجموعه‌ی از دستورات انسانی و اخلاقی است که منبع آسمانی و فراطبیعی دارد و هدف آن هدایت خلق و وصل شدن به ( خداوند ) است.

#### ب - سیاست وضعی

سیاست وضعی مجموعه از تصمیمات، نگرش‌ها و عملکردهایی که مبتنی بر اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی اتخاذ می‌شود و هدف آن رسیدن به نتیجه مطلوب است.

در ادامه چگونه می‌شود با سیاست دینی و دستورات شرعی با جهانی در ارتباط بود که بیشترین هزینه‌اش را صرف جمع‌آوری اطلاعات و هزینه‌های استخباراتی و نظامی برای کسب منافع می‌کند و یا با رویکرد اخلاقی و انسانی و باورهای دینی و عرفی چگونه می‌توان با چالش‌های فراروی جهان همچون ( تروریسم، قاچاق مواد مخدر و انسان، مشکلات محیط زیستی، رکود اقتصادی، کمبود آب شیرین، تنش‌های مرزی، معضل مهاجرت، بیماری‌های فرامرزی و... ) مبارزه کرد.

و چگونه می‌توان با سیاست اخلاقی و انسانی در مبالات جهانی با سیاست‌های نفع طلب وارد عرصه‌ی سیاست خارجی، دیپلماسی و دادوستد شد؟

در نتیجه جدا کردن سیاست وضعی از دین به معنی بی‌دینی نبوده و مفهوم امروزی سکولاریسم به معنی کنار گذاشتن دین و ضدیت با آیین الهی و دین نیست و سیاست امری است که از کنش و واکنش‌های انسانی زاده می‌شود از آنجائی که نفس انسانی نفع طلب و خودپسند است می‌طلبد تا در همه‌ی کارزارها انصاف را مدنظر گرفته و با نگاه واقعی و رئالیستی با جهان خویش رابطه برقرار نمایم.

## منابع و مأخذ

- سروش، عبدالکریم (1388)، سکولاریسم، «سنت و سکولاریسم»، چاپ پنجم، مشهد: انتشارات صراط.
- سروش، عبدالکریم (1389)، رازدانی و روشنفکری و دینداری، مشهد: انتشارات صراط.
- شریعتمداری، حمید رضا (1382)، سکولاریسم در جهان غرب، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، تهران: انتشارات حمید.
- جواد آملی، عبدالله (1381)، نسبت دین و دنیا بررسی نقد و نظریه سکولاریسم، تهران: انتشارات اسراء.
- آربلاستر، آنتونی (1379)، دموکراسی، ترجمه حسن مرتضوی، تهران: آشیان.
- همتی، همایون (1384)، اندیشه دینی و سکولاریسم، تهران: کانون اندیشه جوان.

و من الله توفیق